

اسلام دين

شمشير نيست

ديزائين: الحاج ساليه عابد پيمان سويدي



Ketabton.com



www.masjed.se

۱۳۹۵

تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعیدی- سعید افغاني »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان
و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

اسلام دین شمشیر نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام دین شمشیر نیست

لا اکراه فی دین

در (قبول و انتخاب) دین هیچگونه اکراه جاه ندارد

ایمان یک عقد، و پیمان و التزام قلبی و درونی است که انسان با اختیار خود آن را می پذیرد. بدین اساس دین مقدس اسلام ایمان اجباری را قبول ندارد و پروردگار با عظمت ما انسان را آزاد گذاشته است تا با تحقیق دین را انتخاب کند. کسانی که انتخاب کننده دین ناحق باشد آنرا کافر و کسانی که قبول کننده دین حق باشد آنرا مؤمن مسمی می کند. دین مقدس اسلام برای انتخاب دین قاعده و قانون را وضع نموده است که پایه و بنیاد این قانون در (آیه: 256 سوره بقره) با ظرافت خاص بیان یافته است: پروردگار با عظمت ما می فرماید: «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی...» (الایه) اجبار و اکراهی در (قبول دین) نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است.

شان زول آیه:

این آیه در سوره بقره بوده و سوره بقره بعد از هجرت به مدینه آغاز گردیده است. وحی این سوره زمان آغاز یافت که نظام اسلامی در حال شکل گیری و استحکام بود. مفسرین میگویند: که این سوره در باره مردی از اهل مدینه و از قبیله بنی سالم بن عوف، در مورد شخص بنام «حصین»، نازل شده است: قصه طوری است که: «حصین» که خودش مسلمان شده بود، دوپسر داشت که نصرانی بودند و تا هنوز بدین اسلام مشرف نشده بودند.

این مرد داستان را بحضور محمد صلی الله علیه و سلم عرض داشتند که یا رسول الله! آیا میتوانیم آن دو را مجبور به قبولی دین اسلام کنم. چون آنان حاضر نیستند که غیر از نصرانیت دین دیگری را بپذیرند؟! در جواب آیه شریفه «لا اکراه فی الدین...» نازل شد. همچنان برخی مفسرین در شان نزول این آیه فرموده اند که: مردی از انصار غلامی داشت سیاه پوست بنام «صبیح» میخواستند او را به دین اسلام به زور مجبور سازند. در همین اثنا آیه «لا اکراه فی الدین» بر پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شد و به «صبیح» و تمام مسلمانان هدایت داد شد تا در پذیرش دین کوچکترین اجبار و اکراهی را بر مردم روا ندارند و فرمود: که انسان ها از کمال اختیار و آزادی برخوردار میباشند. همچنان حضرت عمر رضی الله عنه پیره زن نصرانی را به دین مقدس اسلام دعوت کرد؛ او در جواب گفت: «انا عجوز کبیره والموت اقرب الی» یعنی من پیر زن بزرگسالی هستم که مرگم نزدیک شده است؛ چرا در آخر عمر خود مذهبم را رها کنم؟ حضرت عمر رضی الله عنه بعد از استماع صحبت زن او را بر ایمان آوردن اجبار نه نمود؛

اسلام دین شمشیر نیست

بلکه این آیه شریفه را تلاوت نمود که: « لا اکره فی الدین » یعنی، در دین اجباری نیست» و در حقیقت بر پذیرش ایمان زور واکراه امکان ندارد.

دین مقدس اسلام ارتباط ایمان را با اعضای ظاهری ندانسته، بلکه ایمان و عدم ایمان را از اموری قرار داده است که ارتباط اساسی به خواست خود انسان و میل و رضایت درونی او دارد. طوری که خداوند متعال میفرماید: « **وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ مَنْ شَاءَ عَفْلِيؤْمِنُ وَمَنْ شَاءَ عَفْلِيكُفْرٌ** » (بگو: حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگار تان (آمده) است (من آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مؤمنان است) پس هر کس که میخواهد (بدان) ایمان بیاورد و هر کس می خواهد (بدان) کافر شود.) (سوره الکهف: 29)

قرآن عظیم الشان محمد صلی الله علیه وسلم را به این حقیقت متوجه ساخته است که بر تو فقط تبلیغ دعوت واجب است و تو نمیتوانی بر مردم به گرویدن به اسلام اجبار کنی. «افأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین» (یونس: آیه 99) «آیا تو (ای پیغمبر!) می خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟ (این کار نه صحیح و نه سودمند است و نه از دست تو ساخته است). و باز در سوره (الغاشیه: آیه: 22) میفرماید: «لست علیهم بمسيطر» (تو بر آنان چیره و مسلط نیستی)

همچنان قرآن عظیم الشان در سوره الشوری آیه: 48 میفرماید: «فان عرضوا فماً ارسالنک علیهم حفیظاً ان علیک إلا البلاغ» (اگر (مشرکان از پذیرش دعوت تو) روی گردان شدند (باک مدار و غمگین مشو) چراکه ماتو به عنوان مراقب و مواظب ایشان نفرستادیم بر تو پیام باشد و بس.

همچنان قرآن عظیم الشان در (سوره مزمل آیه: 19) میفرماید: «فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً» «پس هر کس که بخواهد (میتواند) راهی به سوی پروردگارش اتخاذ نماید» در این آیه متبرکه جمله «من شاء» دلیل بر اختیار و آزادی انسان در انتخاب کفر و ایمان است.

«انا هدیناه السبیل إما شاکراً وإما کفوراً» «ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه شکر گذار باشد (و پذیرا شود)، یا (مخالفت کند و) کفران نماید.»
در آیات متذکره راه حق و باطل از یکدیگر مشخص شده است و انتخاب هر یک به دست خود انسان است، او مجبور نیست و در عمل میتواند هر کدام از این راه را که بخواهد انتخاب کند، لکن اگر راه حق و حقیقت را انتخاب کرد، به جنت و سعادت ابدی دست می یابد و اگر راه باطل را انتخاب کرد، به عذاب دردناک، و جهنم و بدبختی عظیمی گرفتار خواهد شد.

قرآن عظیم الشان در بیش از (120) آیه تاکید نموده است که اسلام بر اساس رضایت قلبی و آموزش محض انتشار یافته است و بعد از عرضه شدن اسلام بر مردم، برای آنها صلاحیت عام تام داده شده است تا در پذیرش و رد دین آزاد باشند. بنابراین همین منطق بزرگ انسانی است که پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم بعد از فتح مکه اهل مکه را

اسلام دین شمشیر نیست

به حال خود رها کرد و فرمود: «اذهبوا فأنتم الطلقاء» : بروید ، شما آزادید و بعد از این فتح عظیم و سرنوشت ساز بر آنان، کسی را به اسلام مجبور نکرد. در تاریخ اسلام اتفاق نیفتاده که مسلمانان حتی یک نفر مسیحی یا یهودی به جبر و زور به قبولی دین اسلام مجبور کرده باشد.

دین اسلام یگانه دینی است که آزادی واقعی از قید اسارت و بندگی ، را برای انسان به ارمغان آورده است ، اساست این آزادی همه انواع از استبداد و خود کامگی را در هم شکسته و بسیاری از قید و بند هایی که در جهان متمدن امروز وجود دارد آنرا از پای بشر باز نموده است .

پروردگار ما پیامبر اسلام را مبعوث ساخت تا مردم را از تمام قید و بند هایی که آنان را اسیر خود ساخته بود رهایی بخشد و تمام غل و زنجیر های استبداد ، هوا پرستی ، بندگی شکم و شهوت ، و ثروت ، مقام و قدرت طلبی را از بین برده ، و بشر را بسوی آزادی واقعی هدایت و رهبری نمود .

علما و مفسرین دین مقدس اسلام آزادی را بدو دسته (آزادی تکوینی و آزادی تشریحی) تقسیم بندی نموده اند.

آزادی تکوینی بدین معنی و مفهوم است که در نظام آفرینش ، انتخاب راه و عقیده جبر و اجبار وجود ندارد . و انسان به حسب خلقت اش موجودی دارای شعور و اراده بوده ، در انجام و ترک فعل و انتخاب و اختیار خود آزاد است.

و در آزادی تشریحی ، هیچ کس حق استعلاء و برتری بر دیگری را ندارد ، و هیچ کس حق ندارد دیگری را غلام و برده و مطیع خود بسازد و اراده و عمل او را مالک شود و خواسته ها و یا عقیده خویش را برخلاف میل و رغبت او بر او تحمیل کند ، زیرا در نظام تشریح همه افراد جامعه بدون استثناء از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ کسی حق مزیت و برتری را نسبت به دیگری ندارد.

ولی باید تذکر داد که در آزادی تشریحی تکالیف و قوانین شرعی متوجه انسان است و انسان در برابر این قوانین مسؤل است . این بدین معنی است که در آزادی تشریحی آزادی نامحدود نیست ، بلکه انسان موظف است در مسیر قانون شرعی و الهی حرکت کند و خروج و سر پیچی از آن ، خروج از بندگی الهی است ؛ که خروج از بندگی خدا ظلم به خویشتن است . « من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه » (کسیکه از حدود الهی تجاوز و سر پیچی کند به خود ظلم را روا داشته است) (سوره طلاق : آیه 1) « ومن يعص الله ورسوله فقد ضل ضللاً مبيناً » (احزاب: 36)

هر کس که خدا و رسولش را نافرمانی کند ، به گمراهی اشکاری گرفتار شده است « بنا از نظر اسلام آزادی که خارج از مسیر حق و صراط المستقیم الهی باشد آزادی نیست ؛ بلکه قید و بندی به ظاهر آزادی است ، که دین اسلام بسیاری از انسانهای به ظاهر آزاد را برده می شمارد ؛ بردگانی که اسیر هوای نفس گشته اند و طعم شیرین

اسلام دین شمشیر نیست

آزادی واقعی را که در پرتو بندگی احکام الهی و سنت پیامبر اسلام حاصل می‌گردد نچشیده اند.

دین اسلام دین موعظه حسنه است و این دین به پیروان خویش هدایت می‌فرماید تا در نشر و تبلیغ دین خط مشی حکیمانه را تعقیب نمایند و بر اساس حکمت، گفتار نیک و کردار نیک مردم را به دین اسلام جلب و از جبر و اکراه جلوگیری بعمل آرند. «أدع إلى سبيل ربك بالحكمة والوعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن» (سوره النحل: 125)

«ای پیامبر: مردمان را با سخنان استوار و به و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان با شیوه هر نیکو تر گفتگو کن»
بنابر همین سیاست الهی است: که پیامبر اسلام در اولین قانون مدینه، بعد از هجرت قید کرد که یهودیها و مسلمانان باهم مشترک زندگی ارام را تشکیل می‌دهند. و به حق آنان در ماندن به دینشان اعتراف کرد.

دین مقدس اسلام خود را حافظ و نگهبان ادیان آسمانی دانسته و وظیفه خود میداند که با دفاع از این ادیان برخیزد. زیر تضعیف ادیان گذشته موجب تضعیف دین مقدس اسلام و تضعیف اسلام موجب وهن و سستی سائر ادیان را در پی خواهد داشت. اسلام، مهمترین دلیل، بر رسالت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام بوده و هست و هر گونه خوشه در اصالت اسلام، موجب خدشه در حقانیت آنان خواهد بود. «ودت طائفة من اهل الكتاب لو يضلونكم وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون» (گروهی از اهل کتاب، دوسن دارند تا شما را گمراه کنند در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند.)

حضرت عمر (رض) خلیفه دوم اسلام مسیحیهای ساکن بیت المقدس را امان داد گفت: «زندگی مسیحیها، کلیساها و صلبهای آنان در امان هستند به هیچ کس به سبب دینش ضرر نمی‌رسد و بر انجام کاری مجبور نمی‌گردد.»
ولی باتأسف باید گفت که در جهان امروزی ما: برخی از حلقات مذهبی تلاش‌ها و مجاهدات خویش را در تضعیف دین مقدس اسلام براه انداخته‌اند، و به براه انداختن تبلیغات حتی بر قرآن عظیم‌الشان و پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نیز رحم نه میکنند.

اسلام دین شمشیر نیست

نباید فراموش کرد که : آنان با این عمل خویش ، خود آگاه به خود ضربه می زنند زیرا تضعیف اسلام ، به عنوان دینی واقعی و حقیقی که انسان را به سوی خالق مدبر و حکیم دعوت می کند ، تضعیف همه ادیان بشمار خواهد رفت . ولی ما یقین داریم به جز « وما یضلون الا انفسهم وما یشعرون » به این عمل گمراه کننده بجز اینکه خود و نفس های خویش را فریب دهند نتیجه و ثمره دیگری را بدست نخواهند آورد .

پایان

اسلام دین شمشیر نیست

تتبع و نگارش : امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و

مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

ادرس ارتباطی : بریبننا لیک :

saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**